

بررسی دیدگاه مفسران فریقین در تفسیر «وَرَاءَ ذَٰلِكَ» در آیه ۷ سوره مؤمنون

سید حسین علیاناسب*

سید ضیاءالدین علیاناسب**

چکیده

عبارت «فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» ناظر بر تربیت جنسی است که پیوسته خانواده‌ها و جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش حاضر با توجه به تأثیرپذیری موضوع این آیه از رویکردهای مذهبی، فقهی و اجتماعی در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که هم‌پای تحول موضوع آیه، کتب تفسیری فریقین چه رویکردی اتخاذ کرده‌اند؟ بدین منظور نوشتار حاضر با پذیرش این پیش‌فرض که به موازات رخداد پدیده‌های جدید مرتبط با موضوع آیه، نگرش‌های تفسیری فریقین نیز تحول را تجربه می‌کنند، نکات مفهومی، مصداقی و فقهی تفاسیر فریقین درباره «وَرَاءَ ذَٰلِكَ» را بررسی کرده و در نهایت به دو دیدگاه تفسیری عمده: قول به محدودیت مدلول آیه به روابط جنسی حرام و قول به اطلاق و عمومیت آیه و شمول آن بر همه رفتارهای شهوانی نامشروع، دست پیدا کرد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد هر دو دیدگاه مورد توجه مفسران فریقین قرار گرفته است و اختلاف اندک در برخی از مصادیق در حدی نیست که دیدگاه فریقین مخالف همدیگر تلقی شود، ولی تحلیل مصادیقی که مفسران شیعه و سنی برای گناهان جنسی مستفاد از آیه بیان کرده‌اند بر غلبه تدریجی دیدگاه شمول و اطلاق در گذر زمان، دلالت می‌کند.

واژگان کلیدی

آیه ۷ مؤمنون، تفسیر تربیتی، تفسیر مقارن، اخلاق جنسی.

olyanasab@tabrizu.ac.ir

z.olyanasab@hmu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۱

*. دانشیار گروه علوم معارف اسلامی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول).

** دانشیار گروه قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

طرح مسئله

قرآن کریم برای هدایت مردم در همه زمان‌ها و مکان‌ها نازل شده است و به اقتضای جاودانگی اعجازش این قابلیت را دارد که در هر عصری مفاهیم تازه‌ای از معارف والای آن کشف شود. بر همین پایه آیات الهی پیوسته مورد توجه اندیشمندان بوده است تا از رویکرد هدایتگری آن در ابعاد مختلف زندگی بهره گرفته و جامعه بشری را به سوی سعادت رهنمون شوند. یکی از عبارتهای قرآنی که ارتباط زیادی با زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد پیدا می‌کند آیات شریفه «وَالَّذِينَ هُمْ يُفْرَجُهُمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» است. (مؤمنون / ۷ - ۵؛ معارج / ۳۱ - ۲۹) خداوند در این آیات، صفات مؤمنان و انسان‌های خودساخته را شمرده و افراد را برای به‌دست آوردن آن صفات ترغیب کرده است. تکرار لفظی این آیات در دو سوره قرآن از منظر مفسران و ادیبان دلیل بر اهمیت موضوع و تأکید خداوند بر آن است (ابن‌عاشور، ۱۳۸۴: ۱ / ۶۸) و جانشینی جمله خبری از جمله امری هم نشان‌دهنده توجه زیاد متکلم و مطالبه مضمون امر است. (طوسی، ۱۴۰۹: ۸ / ۳۴۸)

این آیات ضمن تصریح به محور بودن زوجیت در ارضای غریزه جنسی، یکی از آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی مبتلابه جوامع را مورد توجه قرار داده‌اند، با توجه به اهمیت موضوع این آیات و همچنین به سبب تحولات اجتماعی که با سرعت به وقوع می‌پیوندد و پیوسته بر تنوع گناهان جنسی و ضرورت تبیین‌های دینی مرتبط افزوده می‌شود این سؤال پیش می‌آید که مفسران فریقین برای بهره‌گیری از این آیات در پاسخگویی به مشکلات جدید چه رویکردی اتخاذ کرده‌اند؟ نوشتار حاضر در نظر دارد با مراجعه به تفاسیر و بررسی مواضع اشتراک و اختلاف آنها مفاهیم و مصادیق متکی به فراز «فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ» را مورد توجه قرار داده و با احصاء و تحلیل دلایل اشتراک و افتراق مفسران به حقیقت امر و رویکرد مرجح در تفسیر آیه رهنمون شود. لازم به ذکر است استفاده از مفهوم در بررسی عبارت «وَرَاءَ ذَلِكَ» در نوشتار حاضر بدین دلیل است که انتزاع بیشتری به روابط واژگان داده شود (پهلوان‌نژاد و سرسرابی، ۱۳۹۰: ۱۱) به‌همین دلیل در این پژوهش مفهوم و مصداق «وَرَاءَ ذَلِكَ» بررسی می‌شود. بحث حاضر از این جهت دارای اهمیت است که آیات مذکور این قابلیت را دارند که در مسائل مستحدثه مربوط به روابط جنسی و برخی مسائل مبتلابه در امور درمانی و پزشکی مورد استناد قرار گیرند که با توجه به جایگاه والای قرآن کریم نزد پژوهشگران فرصتی ایجاد می‌کند تا اندیشمندان حوزه خانواده و آسیب‌های اجتماعی به راهکارها و معیارهای قرآنی مقابله با برخی معضلات مرتبط دست پیدا کنند.

اصطلاحات و مفاهیم آیه شریفه

آیه شریفه «... فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» دو بار در کتاب خدا ذکر شده است، در سوره مؤمنون، یکی از اوصاف مؤمنان و در سوره معارج یکی از ویژگی‌های رفتاری انسان‌های رستگار را بیان می‌کند و در ظاهر بدین معنا است که «... آنان کسانی هستند که دامن خود را حفظ می‌کنند مگر بر همسران خود یا کنیزانشان که [در این صورت] مورد نکوهش نیستند و هر کس پا از این [حد] فراتر نهد آنان همان از حد درگذرندگان هستند». برای فهم دقیق‌تر و بهره‌گیری از این آیه شریفه اصطلاحات مهم آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

إِبْتَغَى: لغت‌شناسان آن را از ریشه «ب غ ی» دانسته‌اند، ریشه ثلاثی این واژه در دو هیئت مجرد و مزید به کار رفته و برخی لغت‌شناسان در معنای صیغه مجرد و مزید آن تفاوت قائل هستند؛ خلیل بن احمد فراهیدی «بغی» را زشتی و کار بد معنا می‌کند که وقتی به هیئت «إِبْتَغَى» درمی‌آید به معنای درخواست و طلب است، (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴ / ۴۵۳) ابن فارس بدون اینکه به تغییر معنا در صورت تغییر هیئت اشاره کند دو معنا برای «بغی» در هیئت ثلاثی مجرد می‌شمارد؛ معنای اول طلب و معنای دوم فساد است، (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱ / ۲۷۱) راغب اصفهانی و مصطفوی هم تفاوت چندانی در تغییر هیئت «بغی» قائل نیستند؛ بدین ترتیب که راغب اصفهانی معتقد است «بغی» به معنای طلب و اراده تجاوز از میان‌روی است حتی اگر در عمل انجام نگرفته باشد و «إِبْتِغَاء» به معنای کوشش و اجتهاد در طلب و اراده تجاوز است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۳۶) و طلب شدید و اراده اکید مورد نظر مصطفوی هم با راغب همسویی دارد. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱ / ۳۳۴) به نظر می‌رسد با توجه به اینکه در آیه شریفه «بغی» در هیئت ثلاثی مزید به کار رفته، معنای طلب و اراده برای «إِبْتِغَى» درست‌تر و به قدر متیقن نزدیک‌تر است.

وراء: از کلمات اضداد است و ریشه این واژه مورد اختلاف است؛ برخی از لغت‌شناسان آن را از ریشه «ورأ» به معنای پشت سر می‌دانند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸ / ۲۹۹) و برخی آن را از ریشه «وری» دانسته‌اند که هم به معنای جلو است و هم پشت سر، (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۶ / ۱۰۴) راغب اصفهانی در عبارت «فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ» آن را طلب بیش از حد تعیین شده و تعرض به محدوده غیرمجاز معنا کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۶۶) و برخی مفسران تصریح کرده‌اند که در این آیه شریفه به معنای «غیر ذلك و سواه» به کار رفته است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۴۷۴ و رازی، ۱۴۰۸: ۱۴ / ۷)

عادون: راغب اصفهانی، فیومی و مصطفوی «عادون» را جمع از ریشه «ع د و» به معنای تجاوزکنندگان از حد شمرده‌اند، با اندکی تفاوت در قید تجاوز که در اینجا تجاوز از حدود الهی منظور است، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۵۳، فیومی؛ ۱۴۱۴: ۳۹۷ و مصطفوی، ۱۳۶۸، ۸ / ۷۵) خداوند نیز در قرآن کریم

تجاوزکنندگان از حدود الهی را، ظالم، (بقره / ۲۲۹، طلاق / ۱) کافر (مجادله / ۴) و اهل آتش جهنم (نساء / ۱۴) شمرده است.

پیشینه مطالعات درباره آیه شریفه

مفسران در همه دوره‌های تاریخی با گرایش‌های مختلف تفسیری؛ اعم از ادبی، نقلی، فقهی، اجتماعی و ... پیوسته این آیات را مورد بررسی قرار داده و نظرات متعددی در تبیین این آیات در راستای آسیب‌های اجتماعی مورد نظر آیه ارائه داده‌اند. بررسی تفاسیر شیعه و سنی از آیات مذکور در دو سوره مبارکه نشان می‌دهد مفسران سه نوع مواجهه در تفسیر این آیات داشته‌اند که در ذیل بیان می‌شود:

گروه یکم از مفسران فریقین که اغلب مفسران متقدم هستند، تفسیر این آیه را وا نهاده و بدون تفسیر و اظهارنظر مشخصی از آن گذشته‌اند؛ از جمله تفاسیر اهل سنت؛ *معانی القرآن* فرآء (۲۰۷ ق)، *تفسیر القرآن العظیم* ابی‌حاتم، (۳۲۷ ق)، *ایجاز البیان عن معانی القرآن* نیشابوری (۵۵۳ ق)، *معانی القرآن و اعرابه زجاج* (۳۱۱ ق)، *انوار التنزیل و اسرار التأویل* بیضاوی (۶۸۵ ق) و *غریب القرآن* ابن‌قتیبه (۲۷۶ ق) در تفسیر این فراز آیه سکوت کرده‌اند. از تفاسیر شیعی هم *تفسیر القمی* (۳۰۷ ق)، *تفسیر فرات کوفی* (۳۰۷ ق)، *تفسیر عیاشی* (۳۲۰ ق) *روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن* ابوالفتح رازی (۵۵۶ ق) و *نهج البیان* شیسانی (۹۹۴ ق) در تفسیر عبارت «وَرَاءَ ذَٰلِكَ» مطلب خاصی ندارند.

گروه دوم از مفسران فریقین به بیان کلی اکتفا کرده و درباره مفردات آیه، حرمت و ممنوعیت روابط جنسی خارج از مفاد آیه و محدودیت آن به زوجیت و ملک یمین بحث کرده‌اند؛ از تفاسیر اهل سنت *الکشف و البیان فی تفسیر القرآن* ثعلبی (۴۲۷ ق)، *تفسیر قرآن العظیم* ابن‌کثیر (۷۷۴ ق)، *زهره‌التفاسیر* ابوزهره (۱۳۹۵ ق) و از تفاسیر شیعه *مجمع البیان* طبرسی (۵۴۸ ق)، *تفسیر الصافی* فیض کاشانی (۱۰۹۱ ق) و *تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب* قمی مشهدی (۱۱۲۵ ق) *تفسیر القرآنی للقرآن* خطیب (۱۴۰۵ ق) جزو همین گروه هستند.

گروه سوم از مفسران فریقین افزون بر بیان مفهوم «وَرَاءَ ذَٰلِكَ» برای آن مصادیقی از انحرافات جنسی را نیز ذکر کرده‌اند؛ از تفاسیر اهل سنت *جامع البیان* طبری (۳۱۰ ق)، *احکام القرآن* ابن‌عربی (۵۴۳ ق)، *تفسیر نسفی* (۷۱۰ ق)، *الجامع لأحكام القرآن* قرطبی (۶۷۱ ق)، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید* ابن‌عجیبه (۱۲۲۴ ق)، *بیان المعانی* آل‌غازی (۱۳۹۸ ق)، *تفسیر مراغی* (۱۳۷۱ ق) *البحر المحيط فی التفسیر* أبوحیان الأندلسی (۷۴۵ ق) *الکشف عن حقائق غوامض التنزیل* زمخشری (۵۳۸ ق) و از تفاسیر شیعه *التبیان فی تفسیر القرآن* طوسی (۴۶۰ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*

بررسی دیدگاه مفسران فریقین در تفسیر «وَرَاءَ ذَٰلِكَ» در آیه ۷ سوره مؤمنون □ ۱۳۵

طباطبایی (۱۳۶۰ ش)، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه* صادقی تهرانی (۱۳۹۰ ش)، *أَطِيبُ الْبَيَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ طَيْب* (۱۴۱۲ ق) و *تفسیر من هدی القرآن* مدرسی (معاصر) تفاسیری هستند که «وَرَاءَ ذَٰلِكَ» را شامل مصادیقی از انحرافات جنسی دانسته‌اند.

افزون بر تفاسیر متعدد که به تفسیر این آیات پرداخته‌اند، امروزه کتب، جزوات و نوشته‌های کاربردی متعددی با رویکرد روان‌شناسی و مشاوره نیز تولید شده است که به این عبارت شریفه استدلال کرده‌اند، (ثابت، ۱۳۸۷ و یوسفی، ۱۳۸۹) همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد که امروزه این عبارت از حیث فقهی نیز بسیار مورد توجه قرار گرفته است و فقها و مفسران افزون بر اینکه گناهان جنسی جدید را که در منابع دینی ذکری از آنها به میان نیامده، ذیل همین آیه مشمول حرمت می‌دانند، در تبیین و استنباط احکام فقهی مستحدثه به خصوص تلقیح مصنوعی کمک شایانی به فقه کرده‌اند. (فاضل لنگرانی، ۱۳۸۷، صادقی تهرانی، ۱۴۰۶) آنها در استدلال‌های خود تعابیری به کار برده‌اند که نشان می‌دهد از نظر آنها این آیه قابلیت دارد مبنای استخراج قاعده کلی کنترل رفتارهای جنسی قرار گیرد. این قبیل مطالعات علاقه‌مندی روزافزون فقها و کارشناسان مطالعات و آسیب‌های اجتماعی نسبت به بهره‌گیری از این آیات را نشان می‌دهد، ولی تاکنون پژوهشی که به‌طور مستقل و تفصیلی تفاسیر مربوط به این آیات را مورد بررسی قرار دهد، یافت نشد.

رویکرد تفاسیر در آیه «فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ»

تفاسیری که آیه شریفه را در صدد بیان حکم انحراف جنسی ارزیابی کرده‌اند با موضوع آن مواجهه یکسان نداشته‌اند و اغلب دو شیوه استدلال و نتیجه‌گیری را در پیش گرفته‌اند؛ برخی از این تفاسیر، به ظاهر آیه بسنده کرده و با رعایت جانب احتیاط اجازه توسعه در مدلول‌های آن را نداده‌اند، اما دسته دوم معتقدند در اثر گذر زمان و تحولات فکری و رفتاری ناشی از آن، سؤال‌های، نیازها و مسائل جدیدی برای انسان‌ها پیش می‌آید که در متون دینی بر مصادیق آنها تصریح نشده است اما برخی قواعد کلی فرازمانی و فرامکانی وجود دارد که با تمسک به آنها می‌توان حکم این قبیل موضوعات را استنباط کرد؛ برای شناخت نحوه مواجهه این دسته از مفسران با آیه شریفه، نظرات آنها در سه بعد مفهوم آیه، مصادیق گناهی که آیه بر آن دلالت دارد و همچنین استفاده فقهی از این آیه به‌عنوان یکی از آیات الاحکام مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد:

۱. دیدگاه مفسران در باره مفهوم آیه شریفه

برخی از مفسران؛ ارتباط جنسی با غیر از دو طایفه استثناء شده در آیه را به‌عنوان مفهوم «وَرَاءَ ذَٰلِكَ»

برشمرده‌اند که با توجه به تصریح خودشان یا برخی قیودی که به کار می‌برند به نظر می‌رسد مفهوم آیه را مقید و محدود به اجتناب از آمیزش حرام می‌دانند؛

مؤلف *التبیین فی تفسیر القرآن* هر رابطه‌ای غیر از زوجیت را عدول از حلال به حرام و مشمول آیه می‌داند، (طوسی، ۱۴۰۹: ۷ / ۳۵۰) طبرسی نیز در *مجمع البیان* در تبیین مفهوم «وَرَاءَ ذَلِكَ» با تأکید بر عدم شمول آیه بر مواقعه با توجه در ایام حرمت آن، همانند طوسی این تصور را ایجاد می‌کند که آیه شامل همه گناهان جنسی نیست، بلکه تنها بر ممنوعیت رابطه‌هایی دلالت دارد که ممکن است خارج از زوجیت و ملک یمین اتفاق بیفتد، (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۱۵۸) صاحب *المیزان* هم منظور از «فمن إبتغی وَرَاءَ ذَلِكَ» را طلب مس غیر دو طایفه دانسته است، (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵ / ۱۰) استعمال واژه «مساس» توسط علامه طباطبایی نشان می‌دهد که ایشان به شمول آیه بر همه گناهان جنسی اعتقاد ندارند. مغنیه نیز در تفسیر *کاشف* با اندکی تفاوت، آن را به معنای طلب نکاح غیر همسر و کنیز دانسته است (مغنیه، ۱۴۲۴: ۵ / ۳۵۸) که به نظر می‌رسد با توجه به معنای نکاح که به آمیزش جنسی اطلاق می‌شود، نظری موافق با دیدگاه علامه طباطبایی دارد. کاشانی هم مراد از حفظ فروج را حفظ از هرگونه مباشرت و مواقعت جنسی غیر از دو مورد حلال گفته، ولی وطنی بهائیم و استمنا را نیز بدان ملحق کرده است. (کاشانی، ۱۳۴۶: ۶ / ۲۰۸) برخی از مفسران اهل سنت نیز عبارات‌ها و اصطلاحاتی به کار برده‌اند که نشان می‌دهد نظرشان در مفهوم آیه ممنوعیت رابطه جنسی غیر دو مورد مستثناست؛ طبری در *جامع البیان* با قید توضیحی «فمن التمس منکحاً سوي زوجته و ملک یمینه»، (طبری، ۱۴۱۲: ۱۸ / ۴) بروسوی در تفسیر *روح البیان* با اشاره به تجاوز از تعداد مشروع نکاح که چهار همسر می‌شود، (بروسوی، بی‌تا: ۶ / ۶۸) ابوحیان الأندلسی در *البحر المحیط فی التفسیر* با افزودن توضیح «فلا یحل لهم شیءٌ منهن الا بنکاح او تسر»، (ابوحیان الأندلسی، ۱۴۲۰: ۷ / ۵۴۹) ابن کثیر با استعمال قید حفظ فروج و نیفتادن در زنا و لواط و نزدیک نشدن به غیر همسر و کنیزان حلال، (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۵ / ۴۰۴) نسفی با تصریح بر مطلق طلب قضای شهوت در چارچوب خارج از دو مورد مستثنا، (نسفی، ۱۴۱۶: ۳ / ۱۱۷) فخر رازی در *تفسیر کبیر* با تصریح به «یحب حفظ الفروج عن الکل الا فی هاتین ...»، (رازی، ۱۴۲۰: ۲۳ / ۲۶۲) زمخشری با عبارت «انهم لفروجهم حافظون فی کافه الاحوال الا فی حال تزوجهم او تسریهم»، (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۱۷۷) ابن عربی در *احکام القرآن* در تفسیر «وَرَاءَ ذَلِكَ» با تأکید بر جاری کردن حد زنا یا لواط بر «عادون» (ابن عربی، بی‌تا: ۳ / ۱۳۱۱) این قرینه را ایجاد می‌کنند که مفهوم آیه فقط بر ممنوعیت آمیزش حرام دلالت می‌کند، اگرچه هیچ‌گونه تصریحی بر این مدعا نمی‌کنند.

دسته دیگر از مفسران آیه مذکور را شامل همه گناهان جنسی و رفتارهای شهوانی حرام می‌دانند. برخی از این مفسران با ذکر مصادیق متعدد گناهان جنسی و برخی دیگر با بیان تعبیر دال بر عمومیت رفتارهای جنسی، دایره شمول مفهوم آیه را فراتر دانسته‌اند و به نظر می‌رسد معتقدند این آیه شامل یک قاعده کلی است که از همه انواع انحراف جنسی نهی می‌کند.

این‌جوزی از مفسران اهل سنت، ابتدا عبارت «فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ» را طلب غیر زوجه و مملوک معنا می‌کند، اما در تفسیر «فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» دلیل ظالم بودن افراد بی‌عفت را ورود به محدوده غیر حلال معرفی می‌کند که به نظر می‌رسد نهی از مطلق رفتارهای جنسی حرام را مورد توجه دارد (ابن‌جوزی، ۱۴۱۹: ۳ / ۲۵۶) مراغی نیز به اوصاف مؤمنان در آیات اشاره کرده و با توضیح تفصیلی «و المراد بهذا الوصف مدحهم بنهايه العفه و الاعراض عن الشهوات» مدلول آیه را همه گناهان جنسی دانسته است. (مراغی، ۱۹۸۵: ۱۸ / ۶) جصاص نیز معتقد است «والذین هم لفروجهم حافظون» یک قاعده عمومی را بیان می‌کند و با استثنای بعدی می‌فهماند که لسان آیه عام است و حکم عمومی حفظ فرج به حال خود باقی است تا زمانی که مصداقی با ادله شرعی معتبر استثنا شود، (جصاص، ۱۴۰۵: ۳ / ۳۳ و ۴۰۷) *تفسیر السعدی* تصریح می‌کند که آیه عمومیت دارد و به مقتضای آن حفظ فروج از نظر و لمس دیگران هم واجب است، (سعدی، ۱۴۰۸: ۶۴۶) سید قطب نیز معتقد است این آیه برای محافظت از پاکی روح خانواده و جامعه است، ایشان با انتقاد از مروجان شهوت که در مقابل احکام الهی بر آزادی شهوت‌ها و رهایی از قیدوبندهای دینی و اخلاقی و اجتماعی تأکید می‌کنند و می‌خواهند برنامه‌های جنسی متنوع و بدون حدمرز را شایع و جامعه انسانی را به مرتبه حیوانی تنزل دهند، برنامه این آیه را نگه دارنده خانواده و اجتماع از فساد معرفی کرده است. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۲ / ۶۳۲)

همین رویکرد در تفاسیر شیعه نیز مشهود است؛ گنابادی مضاجعت و امور شهوانی حلال را منحصر در زوجیت و ملک یمین می‌داند و خروج از محدوده اجازه الهی به هر شکل متصور را ظلم و تجاوز از حدود دانسته است، (گنابادی، ۱۴۰۸: ۳ / ۸۹) صادقی تهرانی تمامی روابط شهوانی قابل تصور حتی نگاه نامشروع را مشمول آیه می‌داند، (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۳ / ۳۷۷) طیب تصریح کرده است که «وَرَاءَ ذَٰلِكَ» یعنی غیر از آنچه که ترخیص شده است آن هم در موارد مذکوره، سپس این‌گونه توضیح داده است که شرع مطهر در کلیه امور از افعال و اقوال و عقاید و اخلاق برای انسان حدی قرار داده است که نباید تجاوز کند، (طیب، ۱۴۱۲: ۹ / ۳۶۱) قرشی در *احسن الحدیث* منظور از حفظ را اجتناب از مطلق بی‌عفتی دانسته است، (قرشی، ۱۳۷۸: ۷ / ۱۰۱) مدرسی تصریح کرده است که مفهوم آیه پابندی به شریعت و مراعات آن، جهت دادن به گزینه جنسی، مراقبت و نگهداری اندام‌های جنسی از جهت

بهداشتی و پرهیز از عدم زیاده‌روی در شهوت است و در توضیح «وَرَاءَ ذَلِكَ» با مضاف کردن حفظ فروج به التزام دینی تصریح می‌کند که همه اقسام استغلال به شهوت همانند نظر به اجنبی، نگاه به تصاویر و فیلم‌های مستهجن و گوش دادن به داستان‌های عاشقانه مشمول «وَرَاءَ ذَلِكَ» هستند، (مدرسی، ۱۴۱۳: ۸ / ۱۵۲) فضل‌الله نیز بر هرگونه خودداری از حرام جنسی تأکید کرده و مفهوم آیه شریفه را التزام به حدود شرعی می‌داند که خداوند برای ارضای غریزه جنسی تعیین کرده است. (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۱ / ۱۳۴)

بر این پایه درباره مفهوم آیه شریفه دو دیدگاه تفسیری وجود دارد؛ دیدگاه انصراف آیه به آمیزش حرام و دیدگاه شمول مفهوم آن به همه گناهان جنسی؛ بررسی تفاسیر معروف نشان می‌دهد تفاوت مذهب مفسران موجب بروز تفاوت در تبیین مفهوم آیه شریفه نشده است و تمایزی میان مفسران شیعه و سنی وجود ندارد و هر دو دیدگاه مذهبی در هر دو رویکرد طرفداران زیادی داشته است؛ اما به نظر می‌رسد تبیین آیه شریفه متأثر از عصر تفسیر بوده است بدین دلیل که اغلب مفسران شیعه و سنی که به دیدگاه دوم گرایش دارند و آیه را شامل همه گناهان و رفتارهای جنسی می‌دانند، متعلق به عصر حاضر یا قریب به آن هستند.

۲. دیدگاه مفسران درباره مصادیق گناهان جنسی در آیه شریفه

یکی از شیوه‌هایی که اکثر مفسران در تبیین این آیات که به‌طور پیوسته در کتب تفسیری اتفاق افتاده است، ذکر برخی از رفتارهای جنسی بوده است که معتقدند از مصادیق عبارت «وَرَاءَ ذَلِكَ» هستند و بر این پایه از انجام آنها منع شده است. برخی از این مصادیق به شرح ذیل است:

اغلب تفاسیر متقدم گناهان جنسی شناخته شده را مصداق «وَرَاءَ ذَلِكَ» دانسته‌اند؛ گناه زنا یکی از این مصادیق حرام است که در تفاسیر طبری، (۱۴۱۲: ۱۸ / ۴) ثعلبی، (۱۴۲۲: ۷ / ۳۹) ابوحیان الأندلسی (۱۴۲۰: ۷ / ۵۴۹) و ابوالفتوح رازی (۱۴۰۸: ۱۴ / ۸) بدان اشاره شده است، استمنا در تفاسیر طبری، (۱۴۱۲: ۱۸ / ۵) شافعی، (بی‌تا: ۱ / ۱۹۵) ابن‌جوزی، (۱۴۱۹: ۵ / ۴۰۱) مظهری، (۱۴۱۲: ۶ / ۳۶۵) ابن‌عربی، (بی‌تا: ۳ / ۱۳۱۰) محلی و سیوطی (۱۴۱۶: ۳۴۵) و کاشانی (۱۳۴۶: ۶ / ۲۰۸) به‌عنوان مصداق «وَرَاءَ ذَلِكَ» شمرده شده است. لواط از مصادیق رفتار جنسی حرام است که ابوحیان أندلسی (۱۴۲۰: ۷ / ۵۴۹) و ابن‌عربی (بی‌تا: ۱۳۱۱) از آن منع کرده‌اند و وطی بهائم نیز توسط ابوحیان أندلسی، (۱۴۲۰: ۷ / ۵۴۹) کاشانی (۱۳۴۶: ۶ / ۲۰۸) و ابن‌عطیه اندلسی (۱۴۲۲: ۴ / ۱۳۶) و تفخیز در تفسیر سورآبادی مصداق «وَرَاءَ ذَلِكَ» شمرده شده و مورد نهی قرار گرفته است. (سورآبادی، ۱۳۸۰: ۳ / ۱۶۳۲)

اگرچه مفسران از گذشته تاکنون در بیان مصادیق و تعداد آنها تفاوت‌هایی داشته‌اند که امری طبیعی

به نظر می‌رسد؛ اما با تأمل در مصادیق، این گمان تقویت می‌شود که تحولات عصری بر رویکرد مفسران در تبیین مصادیق گناهان جنسی تأثیر گذاشته و هر چه به تاریخ معاصر نزدیک‌تر می‌شویم تفاسیر فریقین به مصادیق بیشتر و جدیدتری از گناهان و موضوعات جنسی اشاره کرده و آن را مشمول آیه دانسته‌اند؛ چنان‌که در تفسیر *من وحی القرآن* مساحقه از مصادیق «وَرَاءَ ذَٰلِكَ» بیان شده است، (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۳ / ۱۰۶) تفسیر *من هدی القرآن* وطی بهائم، استمنا و همجنس‌گرایی را منطوق آیه دانسته و تصریح کرده است برانگیختن شهوت با نگرستن به زن بیگانه، عکس‌ها و فیلم‌های شهوانی یا شنیدن داستان‌های شهوانی از مصادیق «وَرَاءَ ذَٰلِكَ» است، (مدرسی، ۱۳۷۷: ۸ / ۱۵۱) *التحریر و التنویر* دوستی دختر و پسر را از مصادیق «وَرَاءَ ذَٰلِكَ» بیان کرده است که این مصداق مورد نهی صریح آیه ۲۵ سوره نساء نیز واقع شده است (ابن‌عاشور، ۱۳۹۴: ۲۹ / ۱۶۱) و گنابادی نیز با همین استدلال نظر به اندام جنسی دیگران را حرام دانسته است. (گنابادی، ۱۴۰۸: ۳ / ۸۹) آل‌غازی از مفسران اهل سنت نیز مصادیق زیادی برای منهیات آیه بیان کرده و در نهایت حدود الهی را توسعه داده و هر رفتار جنسی را که شرع بدان اجازه نداده، مفهوم آیه شمرده است و به‌عنوان نمونه خودارضایی مقعدی را که اغلب با آلات مصنوعی انجام می‌گیرد، مصداق «وَرَاءَ ذَٰلِكَ» و حرام دانسته است. (آل‌غازی، ۱۹۶۵: ۴ / ۳۴۳)

علی‌رغم تفاوت دیدگاه‌های تفسیری در بیان مصادیق، مناقشه‌ای بین مفسران فریقین یا مفسران ادوار مختلف در این زمینه وجود ندارد. تنها مصداقی که مورد مناقشه جدی برخی از مفسران شیعه و سنی قرار گرفته، نکاح متعه است؛ برخی مفسران اهل سنت که حرمت متعه را از پیش پذیرفته بودند آن را به‌عنوان مصداق حرام بر آیه تحمیل کرده‌اند؛ جصاص، (۱۴۰۵: ۳ / ۳۵) ابن‌عجیبیه، (۱۴۱۹: ۳ / ۵۶۳) مظهری، (۱۴۱۲: ۶ / ۳۶۵) خطیب، (۲۰۰۳: ۳ / ۷۳۸ - ۷۵۷) قرطبی، (۱۳۶۴: ۱۲ / ۱۰۶) نسفی، (۱۴۱۶: ۳ / ۱۱۷) فخر رازی (۱۴۲۰: ۲۳ / ۲۶۲) و سعدی (۱۴۰۸: ۶۴۶) مفسرانی هستند که متعه را مصداق «وَرَاءَ ذَٰلِكَ» دانسته و سپس ادعا کرده‌اند آیه «فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» آیه «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (نساء / ۲۴) را که بر جواز متعه دلالت می‌کرد، منسوخ کرده است، برخی از این مفسران معاصر تا جایی پیش رفته‌اند که متعه را زنا مستتر در سایه حلال دانسته و ادعا کرده‌اند حرمت متعه از حرمت زنا هم شدیدتر است. (خطیب، ۲۰۰۳: ۳ / ۷۵۷ - ۷۳۷) چنین دیدگاهی افزون بر اینکه در بحث تفسیر به رأی و همچنین ادعای نسخ آیات مدنی توسط آیات مکی و تقدم ناسخ بر منسوخ قابل نقد جدی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴: ۲۷۴) توسط عده‌ای دیگر از دانشمندان اهل سنت مانند زمخشری و ابوحیان اندلسی نیز که متعه را مشمول زوجیت و خارج از مفهوم آیه دانسته‌اند، به چالش کشیده شده است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۱۷۷ و ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۷ / ۵۴۹)

۳. استناد به آیه شریفه در فرایند تحولی فقاقت در موضوعات جدید

همه احکام برای همه نسل‌ها، مبتلابه و دارای اولویت یکسان نیست، بلکه هر نسلی در شرایط اجتماعی خود نیازمند احکام و قوانین ویژه است. سرعت تحول آسیب‌های اجتماعی و پدید آمدن مسائل مرتبط با موضوع این آیات موجب شده امروزه مطالعات فقهی در صدد پاسخگویی به مسائل جدید، بدین آیات متمسک شوند، تا جایی که به نظر می‌رسد هم اکنون مطالعات فقهی پیرامون آیه «فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» بر مطالعات تفسیری آن غلبه کرده است، حتی بسیاری از مفسران در مقام پاسخگویی به مطالبات فقهی جدید از این آیات کمک گرفته و به مساعدت فقه برخاسته‌اند؛

یکی از بارزترین مسئله فقهی جدید که اصلی‌ترین منبع آن آیه شریفه «فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ» می‌باشد، تبیین حکم تلقیح مصنوعی است؛ برخی از پژوهشگران فقه با استناد به همین آیه، تلقیح نطفه مرد با همسرش و تزریق و انتقال آن به رحم همسر دیگرش را مصداق «وَرَاءَ ذَلِكَ» شمرده و نتیجه گرفته‌اند که اگر زنی اجازه دهد تخمک همسر دیگر شوهرش را در رحم او قرار دهند، خواه تنها تخمک را قرار دهند یا تخمکی را که با نطفه شوهرش تلقیح شده باشد حرام است. (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۷: ۱۴۱ - ۱۴۳) برخی نیز ارضای جنسی را مقدمه فرزندآوری معرفی کرده و با استناد به حرمت عمومی مبتنی بر «وَرَاءَ ذَلِكَ» انتقال نطفه مرد به رحم غیر همسرش در امور پزشکی را حرام می‌دانند ولی انتقال تخمک بارور شده از یکی از همسران مرد به رحم همسر دیگرش را مجاز می‌دانند، (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۳ / ۳۷۸) خرازی ارسال نطفه به غیر زوجه در تلقیح مصنوعی را حرام می‌داند و معتقد است هر مردی که اجازه دهد منی او توسط وسائل جدید به زن محرمه منتقل شود، گناهکار و تجاوزگر است، با این استدلال که اطلاق حفظ فروج در آیه همه فروض جماع، تفخیز، فرستادن منی به فرج زنی غیر زوجه و ... را شامل می‌شود. (خرازی، ۱۴۲۰: ۱۰۳) مغنیه نیز در بیان نامشروع بودن تلقیح مصنوعی همین موضع را دارد و مدعی است با توجه به اینکه متعلق حفظ در آیه مشخص نشده است، پس بر حفظ فرج از هر شیء حتی تلقیح دلالت می‌کند، وی بر همین اساس تلقیح مصنوعی بدون زوجیت را حرام و مولود حاصل از آن را فرزند زنا می‌داند. (مغنیه، ۱۳۷۷: ۲۵۸) مؤمن قمی نیز با توسعه‌ای که در مفهوم حفظ فرج غیر از دو مورد مستثنی، داده است، معتقد است بر پایه این آیه اگر منی یا تخمک بارور شده شخصی غیر از شوهر به صورت مستقیم یا به واسطه ابزار پزشکی به رحم زن منتقل شود یا اگر زنی رحم خود را برای نگهداری تخمک زنی دیگر اجاره دهد، مشمول «وَرَاءَ ذَلِكَ» و تجاوز از حدود الهی و حرام شده است. (مؤمن قمی، ۱۳۹۳: ۵)

جمعی از مفسران و فقهای معاصر اهل سنت نیز تلاش کرده‌اند حکم شرعی نکاح مسیاری را که از مسائل فقهی جدید و مبتلابه برخی جوامع اهل سنت است، از این عبارت استنباط کنند؛ مخالفان نکاح مسیاری که از خود اهل سنت نیز هستند، معتقدند ازدواج در اسلام فقط یک نوع است و مسیاری بدین دلیل که تمام ارکان و شرایط نکاح در اسلام را ندارد به مقتضای این آیه باطل و حرام است، در مقابل این ادعا اغلب فقهای شیعه و سنی نیز بدین دلیل که ارکان زوجیت را در مسیاری مسلم دانسته‌اند، آن را موضوع این آیه نمی‌دانند و برای صحتش به ادله فقهی و قواعد مربوطه استدلال می‌کنند (قره‌داغی، ۱۹۹۸: ۵۶) که بیان تفصیلی آن خارج از موضوع نوشتار حاضر است.

بر این پایه واضح است که مفسران و فقهای معاصر در زمینه آسیب‌های اجتماعی و مسائل فقهی مرتبط با این آیه سؤال‌ها و نیازهای جدید را به آیه شریفه عرضه کرده و در صدد کشف حکم الهی برآمده‌اند و امروزه این شیوه استنتاج از قرآن در حال تبدیل شدن به یک رویه غالب است که نشان می‌دهد، فقه قرآنی ضمن برخورداری از ثبات، بر شرایط متحول و نآرام اجتماعی حاکمیت دارد که از نظر مفسران و فقهای قرآنی دور نمانده است.

ارزیابی رویکرد کلی تفاسیر فریقین

مباحث موجود در تفاسیر حاکی از آن است که مفسران فریقین به غیر از اختلاف نظر اندک در دو مصداق متعه و نکاح مسیاری، اختلاف چندانی در تفسیر این آیات ندارند، ولی دو جهت‌گیری تفسیری عمده پیرامون آیه شریفه وجود دارد؛ برخی از تفاسیر مدلول آیه را نهی از روابط جنسی حرام و نامشروع می‌دانند، اما گروه دیگر مفهوم «وَرَاءَ ذَلِكَ» را توسعه داده و آن را فراتر از روابط جنسی، بلکه شامل هرگونه رفتار شهوانی نامشروع می‌دانند. هر دو دیدگاه در میان مفسران شیعه و سنی طرفداران بسیاری دارد به گونه‌ای که نمی‌توان هیچ‌کدام از دو دیدگاه را به یکی از فریقین نسبت داد، ولی دیدگاه مدعی اطلاق آیه و شمول آن بر همه رفتارهای شهوانی نامشروع از برخی شواهد بهره می‌برد که نشان می‌دهد از پشتوانه استدلالی قوی‌تری برخوردار است. برخی از این شواهد به ترتیب ذیل است:

۱. یکی از قرائن و مؤیداتی که دیدگاه شمول و اطلاق را تقویت می‌کند، برخی روایات و فتاواست که

در بیان حرمت استمناء به آیه شریفه استناد کرده و آن را مصداق «وَرَاءَ ذَلِكَ» معرفی نموده‌اند؛

... سئلَ الصَّادِقُ عليه السلام عَنِ الْخَضْحَضَةِ فَقَالَ إِنَّهُمْ عَظِيمٌ قَدْ نَهَى اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ فِي كِتَابِهِ ... فَقَالَ السَّائِلُ فَبَيَّنَ لِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ نَهْيَهُ فَقَالَ قَوْلُ اللَّهِ «فَمَنْ ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأَوْلِيكَ هُمْ الْعَادُونَ» وَهُوَ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ. (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۲۸ / ۳۶۴)

از امام صادق علیه السلام درباره استمنا سؤال شد، حضرت فرمود: گناه بزرگی است. خداوند در کتابش از آن نهی کرده است ... دوباره پرسید: ای فرزند رسول خدا! آیه‌ای را که از استمنا نهی کرده برایم بیان فرمایید. امام فرمود: این سخن خداوند که فرمود: «فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْعَادُوْنَ» و استمنا جزو «وَرَاءَ ذٰلِكَ» است.

همین شیوه استدلال را مالک از فقهای اهل سنت نیز داشته است که در پاسخ به سؤال از حکم استمنا با خواندن آیه «وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوحِهِمْ حَافِظُونَ ... فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْعَادُوْنَ» بر حرمت آن نظر داده است. (ابوحیان أندلسی، ۱۴۲۰: ۷ / ۵۴۹ و ابن عربی، بی‌تا: ۳ / ۱۳۱۰) از استدلال امام صادق علیه السلام و تکرار همان شیوه توسط مالک به نظر می‌رسد آنها از اطلاق مفهوم «فمن ابتغى وراء ذلك» بهره برده‌اند.

۲. قرینه دوم تأمل در معنای واژه «إبتغى» در سیاق آیه است که می‌تواند تأثیری ظریف و درعین‌حال تعیین‌کننده در معنای «وَرَاءَ ذٰلِكَ» داشته باشد؛ معنای طلب شدید، اراده اُکید یا تلاش برای طلب، شاید در نگاه نخستین تغییر محسوس در معنای آیه و توسعه مفهوم آن ایجاد نکند؛ اما با نگاه دقیق می‌توان دریافت که صرف اراده بهره‌مندی جنسی از غیر این دو طایفه به واسطه نگاه، لمس، گفتگو، آمیزش و... اگرچه به بهره‌مندی عملی هم نینجامد یا موجب تحریک و خروج منی نشود، نیز مورد شمول «وَرَاءَ ذٰلِكَ» می‌شود؛ بنابراین از اشاره برخی مفسران اهل سنت (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶ / ۱۸، نسفی، ۱۴۱۶: ۳ / ۱۱۷، ابن جوزی، ۱۴۱۹: ۵ / ۲۵۶ و سعدی، ۱۴۰۸: ۶۴۶) و برخی مفسران شیعه (قمی، ۱۳۶۷: ۲ / ۸۸، طبرسی، ۱۳۷۲: ۷ / ۱۵۸، مدرسی، ۱۳۷۷: ۸ / ۱۵۲) به امکان بروز این عمل نامشروع بدون تماس و لمس، به نظر می‌رسد که منظور از «حفظ فروج» و «وَرَاءَ ذٰلِكَ» مطلق رفتارهای جنسی و زمینه‌های تحریک شهوانی باشد.

نتیجه

نتایج پژوهش نشان می‌دهد اغلب مفسران فریقین، عمومیت آیه «فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْعَادُوْنَ» و شمول آن بر همه انحراف‌های جنسی را می‌پذیرند. برخی از آنها بر استنباط قاعده عمومی دال بر لزوم اجتناب از هرگونه رفتار جنسی تصریح می‌کنند با این استدلال که لسان آیه عام و شامل همه رفتارهای شهوی است مگر اینکه مصداقی با ادله شرعی معتبر استثنا شود.

برخی دیگر نیز که اتفاقاً در تفاسیر شیعه از فراوانی بیشتری برخوردار است با عبارتهایی از قبیل تأکید بر رعایت حدود الهی، تأکید بر رعایت عفت و پرهیز از هرگونه رفتار منافی عفت، جلوگیری از فساد خانواده و اجتماع، ممنوعیت خروج از محدوده اجازه الهی به هر شکل متصور، پرهیز از همه رفتارهای شهوانی حتی نگاه به نامحرم، جهت دادن به غریزه جنسی در چارچوب شریعت، لزوم پایبندی به حدود و احکام در همه ابعاد

رفتاری و اعتقادی و ... به‌طور ضمنی به اطلاق آیه و شمول آن بر همه گناهان جنسی ملتزم هستند، فقها نیز در استنباط حکم برخی مسائل مستحدثه به اطلاق آیه متمسک شده‌اند، اگرچه ممکن است ادعا شود که این آیه در صدد بیان راه‌های مشروع ارضای میل جنسی است نه حکم شرعی روش‌های غیرطبیعی باروری، ولی همین روش فقها قول به عمومیت مفهوم آیه و دلالت آن بر همه گناهان جنسی را تقویت می‌کند.

حاصل تقویت دیدگاه اطلاق که مورد توافق فریقین هست، این است که آیه شریفه قابلیت دارد با گذشت زمان و افزایش مصادیق انحراف‌های جنسی نسبت به همه آنها شمول داشته باشد. در نتیجه با تلفیق این مفاهیم و در نظر گرفتن مصادیق ارضای جنسی مشروع که در آیه پیشین بدان اشاره شده است می‌توان به یک قاعده کلی مورد قبول فریقین دست یافت که در مشخص نمودن حدود تکلیف در حوزه حفظ حقوق خانواده و پابندی به عفاف و پاک دامنی در همه زمان‌ها و مکان‌ها راهگشا باشد؛ این قاعده کلی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «هرگونه رفتار جنسی و شهوانی اعم از لمس، نگاه و آمیزش با غیر همسر شرعی و ملک یمین، ستم‌کاری و تعدی از حلال به حرام و خروج از حدود الهی است». مؤمنان هم با معیار قرار دادن این قاعده مهم در روابط اجتماعی و حتی در رابطه با خود و خلوتشان می‌توانند خود را از بسیاری از معاصی حفظ نمایند و در چارچوب همین قانون مستفاد از آیه جامعه‌ای عقیف و پرهیزکار به وجود آورند.

بر این پایه امروزه که پیوسته بر مصادیق جدید و تنوع گناهان جنسی افزوده می‌شود، حرمت این مصادیق جدید از دیدگاه قرآن فروگذاری نشده است بلکه قاعده قرآنی کلی نهی از تجاوز از حدود الهی وجود دارد که از همین آیه شریفه أخذ می‌شود و اغلب مفسران فریقین و اعصار نیز بر آن توافق دارند. این شکل بیان قرآن درباره مسائل و گناهان جنسی نیز که در ظاهر مبهم است، اقتضای بلاغت فوق العاده کتاب خداوند است که از یک سو مصادیق ارضاء جنسی حلال را برشمرده و به آن تشویق کرده و از سویی دیگر حریم عفت را مراعات کرده است و مقصود خود را بدون ذکر مصادیق پست و سخیف بیان کرده است، مصادیقی که ممکن است بعد از گذشت چندین قرن محقق شود و بیان زود هنگام آن، اذهان برخی مسلمانان ضعیف را به کنجکاوای واداشته و به اشاعه بیشتر فساد منجر می‌شود.

منابع و مأخذ

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

الف) کتابها

- آل‌غازی، عبدالقادر بن ملا حویش، ۱۹۶۵ م، *بیان المعانی*، دمشق، مطبعه الترقی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی ابوالفرج، ۱۴۱۹ ق، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، قاهره، دار الکتب العربی.

- ابن عاشور تونسلی، محمد طاهر، ۱۹۸۴ م، *التحریر و التنویر*، تونس، الدار التونسیه.
- ابن عجیبه، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ ق، *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*، قاهره، حسن عباس زکی.
- ابن عربی، ابوبکر محمد بن عبدالله، ۱۴۰۸ ق، *احکام القرآن*، بیروت، دار الجیل.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق محمد عبدالسلام هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، ۱۹۷۸ م، *غریب القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابو حیان، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحیط فی التفسیر*، بیروت، دار الفکر.
- ابوزهره، محمد بن أحمد، بی تا، *زهرة التفاسیر*، بیروت، دار الفکر العربی.
- بروسوی، اسماعیل، بی تا، *تفسیر روح البیان*، بیروت، دار الفکر.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۹۹۶ م، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت، عبدالقادر.
- ثابت، حافظ، ۱۳۸۷ ش، *تربیت جنسی در اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- ثعلبی نیشابوری، احمد، ۱۴۲۲ ق، *الکشف والبیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۶ ق، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث.
- خطیب، عبدالکریم، ۲۰۰۳ م، *التفسیر القرآنی للقرآن*، بیروت، دار الفکر العربی.
- رازی ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، بی تا، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق أسعد محمد الطیب، ریاض، مکتبه نزار مصطفی الباز.
- رازی جصاص، احمد بن علی، ۱۴۰۵ ق، *احکام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۳۹۶ ش، *روض الجنان و روح البیان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *التفسیر الکبیر / مفاتیح الغیب*، بیروت، دار الفکر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم.

بررسی دیدگاه مفسران فریقین در تفسیر «وَرَاءَ ذَلِكَ» در آیه ۷ سوره مؤمنون □ ۱۴۵

- زجاج، ابواسحاق ابراهیم بن سری، ۱۴۰۸ ق، *معانی القرآن و اعرابه*، تحقیق عبدالجلیل عبده الشلبی، بیروت، عالم الکتب.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل*، بیروت، دار الکتب العربی.
- سعدی، عبدالرحمن، ۱۴۰۸ ق، *تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان*، بیروت، مطبعة النهضة العربية.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، ۱۳۸۰ ش، *تفسیر سورآبادی*، تهران، فرهنگ نو.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، *تفسیر فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق، ج ۱۷.
- شافعی، محمد بن ادريس، بی تا، *احکام القرآن*، بی جا، بی نا.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶ ق، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، تهران، فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *التبیان فی تفسیر القرآن*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ ش، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ش، *کتاب التفسیر*، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد، ۱۳۸۷ ش، *التلخیص الصناعی*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- فراء، یحیی بن زیاد، بی تا، *معانی القرآن*، تحقیق احمد یوسف نجاتی، قاهره، هیئة المصریة العامة للکتاب.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- فضل الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، *من و حی القرآن*، بیروت، دار الملائک.
- فیض کاشانی، محمدمحسن، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر الصافی*، تهران، صدر.
- فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ ق، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم، دار الهجره.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۸ ش، *احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ ش، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، ۱۳۶۷ ش، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۴۶ □ فصلنامه مطالعات تفسیری، سال ۱۳، زمستان ۱۴۰۱، ش ۵۲

- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷ ش، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتب.
- کاشانی، فتح‌الله، ۱۳۴۶ ش، *تفسیر منهج الصادقین*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، اسلامیة.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۳، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- گنابادی، سلطان علی‌شاه، ۱۴۰۸ ق، *بیان السعادة فی مقامات العبادہ*، بیروت، مؤسسه اعلمی.
- محلی، جلال‌الدین و جلال‌الدین سیوطی، ۱۴۱۶ ق، *تفسیر جلالین*، بیروت، مؤسسه النور.
- مدرسی، سید محمد تقی، ۱۴۱۹ ق، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین علیه السلام.
- مراغی، احمد مصطفی، ۱۹۸۵ م، *تفسیر المرائی*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸ ش، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مظہری، محمد ثناء‌الله، ۱۴۱۲ ق، *تفسیر المظہری*، پاکستان، مکتبه رشدیہ.
- مغنیہ، محمدجواد، ۱۴۲۴ ق، *تفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الاسلامی.
- مؤمن قمی، محمد، ۱۳۹۳ ش، *کلمات سدیدہ فی مسائل جدیدہ*، قم، مؤسسه تبیان.
- نسفی، عبدالله بن أحمد، ۱۴۱۶ ق، *مدارک التنزیل و حقائق التناویل*، بیروت، دار الکلم الطیب.
- یوسفی، شهناز، ۱۳۸۹، *بازشناسی تربیت جنسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

ب) مقاله‌ها

- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و شراره سرسرابی، ۱۳۹۰ ش، «معادل‌یابی واژگان قرآنی در پرتو روابط موجود در نظریه شبکه معنایی»، *علوم قرآن و حدیث*، ش ۸۶، ص ۴۴ - ۹، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- خرازی، سید محسن، ۱۴۲۰ ق «التلیح»، *فقه اهل‌البیت علیهم السلام*، ش ۱۶، ص ۱۳۰ - ۱۰۱، قم، مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل‌بیت علیهم السلام.
- قره‌داغی، علی، ۱۹۸۸ م، «المسیر بین المویذ و المعارض»، *مجلة الفرحة*، ش ۲۴.
- مغنیہ، محمدجواد، ۱۳۷۷ ق، «التلیح الصناعی»، *رساله الاسلام*، سال ۱۰، ش ۳، ص ۲۵۹ - ۲۵۶، قاهره، دار التقریب بین المذاهب الاسلامیة.